

از لابلای یادداشت‌ها و نبشتهای روزمره ام

تعویض حاکمیت سیاسی درواشنگتن و چگونگی مسیر قضایای کشور ما نوع موضعگیری های خودآگاه و ناخودآگاه رهبران سیاسی، روشنفکران و قلم دار آیا همه ی مادر سطح داخلی، هنوز هم زیر آوار قیاس‌ها و پندارهای قبلی خوابیده ایم؟

شکست یا پیروزی دیپلوماسی امریکایی و سه نقطه عطف در معادله کنونی قدرت
در این میان و درین روند چیزی بگونه وحشتناکی نادرست بانجام می رسد
فرصت های توسعه پایدار و حفظ روال طبیعی زندگی در کشور
رویکار آمدن بایند و متحول گردیدن توازن قوا در افغانستان

حکومت کردن، حکمروایی، مدیریت کردن و حکومتداری خوب از مفاهیم مهم، پیچیده و در عین حال مبهمی پنداشته می شود که در حوزه علوم اجتماعی قابل بحث می باشد. علت اصلی چنین پیچیدگی و دشواری درارایه چارچوب دقیق تعاریف، سیاست و شکل پذیری مفاهیم علوم انسانی می باشد. بر همین بنیاد، هرکسی، برداشت ویژه ای از مفاهیم دارد و متناسب با آن به تبیین موضوعات می پردازد. این امر اگر از سویی سبب پیچیده شدن درک این مفهوم میشود، از جانب دیگر، نشانی از پویایی و غنای این حوزه نیز بحساب میآید. به گفته صاحب نظران، حکومتداری خوب بخش جدا ناپذیر مدیریت دولتی نوین پذیرفته می شود. حکومتداری خوب یکی از همین اصطلاحات است که سازمان‌ها و افراد مختلف بر اساس نوع نگرش نگرانی‌های خود، تعریف‌های متعددی از آن ارائه کرده اند. در واقع، این تعریف‌ها، هر کدام بخشی از واقعیت موجود در این مفهوم را منعکس مینماید. حکومتداری خوب برداشت کلی به کیفیت و نحوه انجام وظیفه حکومتداری تأکید می نماید. بر بنیاد یکی از تعریف‌های ارائه شده، حکومتداری خوب عبارتست از انجام وظایف حکومت بشیوه عاری از فساد، تبعیض و در چارچوب قوانین موجود در یک کشور. در این تعریف، حکومتداری خوب بمثابة انجام وظایف حکومت بشیوه منصفانه مورد توجه قرار گرفته است. طبق تعریف دیگری، حکومتداری خوب عبارتست از رعایت شفافیت، پاسخگویی و برابری در فرآیند برآورده نمودن نیازهای مردم. پیشرفت و رشد اساسی وابسته باین می باشد که آیا نخبگان سیاسی جامعه دارای تصمیم و قاطعیت در این جهت هستند یا نه؟

مبحث کنونی را با این پرسش آغاز می نمایم که آیا مسیر سیاسی کنونی آغاز شده در مورد کشور ما، توسط اداره جدید و اشنگتن متحول خواهد گردید؟

در پاسخ به پرسش یاد شده باید افزود که نباید اساس محاسبه را بر این قیاس قرارداد که بایند بگونه کلی، سیاست خارجی ایالات متحده را از بیخ و بن تغییر خواهد داد. با وجود آنکه چنین امری برای بسیاری ها اجتناب ناپذیر محسوب می گردد، اما در واقعیت امر، آمر جدید کاخ سپید از توانایی ویا قصد حمل و نقل "اضافه بار" اساسی در مجموعه کارزار بین المللی برخوردار نمی باشد.

با تحلیل و تجزیه سیاست ایالات متحده در درگیریهای بین المللی کنونی، بگونه کلی بررسی شکل بندی عملکردهای یکجانبه سیاست خارجی ایالات متحده و نتایج عملی آن بویژه در دومین سده ۲۱ بایست علاوه نمود که قبل از همه نحوه و چگونگی کنش های سیاست ایالات متحده بمفهوم خاص کلمه در درگیریهای منطقوی افغانستان و عراق و اعتراضهای پیهم توده های میلیونی خاورمیانه و همچنان توسعه و وسعت گرفتن درگیری های مسلحانه در دریای جنوبی چین و بخش های جنوب قفقاز را در بر می گیرد.

نباید فراموش خاطر ما گردد که بررسی و تحلیل همه جانبه ستراتیژی سیاسی ایالات متحده در درگیری های کلیدی سده ۲۱، ما را در امر شناخت واقعیت های سیر کنونی حوادث یاری خواهد نمود.

کارکردهای مهم و قابل توجهی که در عرصه سیاست خارجی متوجه بایند می باشد، از جمله یکی هم پاک نمودن شهرت لکه دار شده کشورش و برگرداندن کرامت امریکایی ها محسوب می گردد. به باور کارشناسان، اقدامات بنیادی بیشماری در باب یاد شده انجام خواهد پذیرفت. عده ای هم چنین می پرسند که درین مورد آیا شک و شبهه

ای موجود می باشد که امر جدید کاح سپید در مجموعه سیاست خارجی کشورش تغییراتی وارد نماید؟ چنانچه قبلن تذکر بعمل آمد، از آنجایی که رئیس جمهور جدید ایالات متحده توان و قصد وارد نمودن تغییرات در شت و قابل توجهی در سیاست خارجی و در مجموعه مناسبات بین المللی کشورش را نداشته و بسیاریها هم چنین می پندارند که یکی از اقدامات قابل پیشبینی ریاست جمهوری ایالات متحده برهبری بایدن، ممکن بازگشت و پیوستن مجدد به توافقنامه پاریس در مورد تغییرات اقلیمی و زیست محیطی باشد که قبل براین، ترامپ از آن خار ج شده بود. در کنار آنکه تغییرات اقلیمی، نه تنها خطرات فاجعه باری بدنبال داشته، بلکه افزایش روز افزون درجه حرارت کره زمین سبب ساز وقوع فاجعه گسترده جهانی خواهد گردید که خطرات ناشی از آن کمتر از وقوع جنگ هستوی در جهان نمی باشد.

امضای توافقنامه یادشده، بخودی خود با اندکی تغییر و با این تفاوت کاجازه می دهد تا حدودی اصل اعتبار و حیثیت ایالات متحده مورد بازبینی قرار داده شود. اما سخن ارتقض قرارداده و توافقنامه های بیشماری نیز در میان می باشد که موارد ذکر شده در آن توسط بسیاری از طرف های امضا کننده آن عملن نقض گردیده است، بگونه نمونه، بسیاری از کشورها، توافقنامه پاریس در مورد تغییرات اقلیمی را امضا نموده و اما هیچکدام از طرف ها مسؤولیت تطبیق و اجرای عملی موارد ذکر شده در آن را در عمل بکار نبسته و بان پشت پا زدند. هر نوع و هر گو نه قرارداد و یا تفاهمنامه و یا توافقی که صورت می گیرد، طرف های امضا کننده، ملزم بر رعایت و پابندی مواد شامل آن می باشند.

قبل براین و بویژه زمانی که در جورجیا دومین دورانتخابات اخیر ریاست جمهوری آغاز گردید، گمانه زنی هایی بعمل آمده بود که آیا دموکرات ها قادر به دستیابی باکثرت کرسی های مجلس سنا خواهند گردید؟ اگر چنین اتفا قی از قوه بفعل مبدل نمی گردید، بگمان اغلب سناتورهای جمهوریخواه بگونه سرسختانه مانع تصویب هرگونه ابتکار قانونگذاری دموکرات ها می گردیدند.

علاوه بر آن، تأیید و توافق مجلس سنا در مورد نامزدهای اعضای کابینه دولت نیز از موارد حتمی و لازمی در ایالات متحده محسوب می گردد. ابراز نظرهایی نیز بعمل آمد که اگر دموکرات ها در مجلس سنا بموفقیت آنچنانی نایل نگردند، بایدن به تطبیق عملی دساتیر ریاست جمهوری آن کشور مبادرت خواهد ورزید که فضا و عرصه مانور برای جمهوریخواهان بویژه در زمینه سیاست خارجی را بگونه قابل ملاحظه ای محدود خواهد نمود. با اینکه تجربیات او باما و ترامپ نشان دهنده این واقعیت می باشد که ممکن در بخش یادشده نیز موفقیت هایی بدست آید، اما دموکرات ها پس از آن بوضوح در اجرای عملی موارد وعده داده شده در جریان کارزارهای انتخاباتی کوتاه خواهند آمد. بدین ترتیب، تأیید توافقنامه پاریس از نقطه نظر عملی، بی اهمیت ترین تصمیم در عرصه سیاست خا رجی برای بایدن محسوب می گردد.

به باور بسیاری ها، اداره برهبری جو بایدن، چه در عرصه سیاست خارجی آن کشور و چه در بسیاری از عرصه ها و بخش های کلیدی حکومتداری کشورش به تغییرات مهم و قابل توجهی مبادرت ورزیده و برای کسانی که مسؤولیت های عمده دولتی را بر عهده داشته و یا در سلسله مراتب مناسبات بین المللی و سیاست خارجی و در بخش های امنیتی از جایگاه عمده ای برخوردار می باشند، بیش از هر موقع دیگر، فضای مانور را برای آنها محدود نماید. بن رودس، مشاور او باما، آنها را "لکه های آلوده" نامید که بسیاری ها را بدلیل توانایی های خارق العاده شان مورد تحقیر و استهزا قرار داده و در نظر دارند تا نوع نگرش و برداشت خود شان را بر جهان و جهانیان تحمیل نمایند.

در شرایط و وضعیت موجودیت اتمسفر بیاماری روحی که ترامپ در بلند ترین سلسله مراتب دولتی بانجام فعالیت مشغول بود، بگونه گلی در مجموعه ستراتیژی ایالات متحده، بویژه در مسایل کلیدی، شاهد تغییرات و تحولات چشمگیری نبودیم. با وجود آنکه نامبرده گهگاهی با ایراد بیانیه ها و خطابه های مثبت و مساعدی در برخورد با جانب روسیه، چین و کوریای شمالی می پرداخت، اما در عمل، در مجموعه سیاست ایالات متحده در قبال کشور های یادشده شاهد اندکترین تغییری هم نبودیم.

از آنجایی که دموکرات ها بگونه گلی، تغییرات و تحولاتی که ترامپ مبتکر آنها بود، بدرجات مختلف و بامعیار ها یی آنها را پذیرفته، اما بخشی از آنها را نیز با وارد نمودن برخی از اصلاحات و تصحیح هایی لازمی، مورد تأیید قرار دادند. در اینجا قبل از همه، چگونگی موضعگیری و اتخاذ نوع موقف در قبال جمهوری مردم چین و احترام از درگیری و جنگ جدید مسلحانه مطرح بحث می باشد. از دیاد روز افزون دشمنی و رقابت ایالات متحده با چین در

حال انکشاف سریع، ریشه در روزهای "چرخش بسمت آسیا" دارد که توسط بارک اوباما و هیلری کلینتن طی سال ۲۰۱۷ ابراز گردید. اگر بزبان دیپلوماتیک صحبت گردد، چنین وضعیتی بنحوی از انحاء بمفهوم مهارچین پنداشته می شود.

اما از جانب دیگر، این مسأله نیز قابل یادمانی می باشد که جابجایی و استقرار قوت های مسلح ایالات متحده در شرق آسیا، توسعه سیستم های جدید تسلیحاتی در سواحل آبی چین از کاربرد بیشتری برخوردار می باشد. انکشاف و توسعه مناسبات و مشارکت با هند، همه ی اینها طی مدت زمان زمامداری بارک اوباما درواشنگتن آغاز گردید. بلی و ترامپ تعرفه های سنگینی را بر کالاهای چین نیز وضع نموده و اقداماتی بمنظور جلوگیری از دستیابی بیشتر آن کشور باطلاعات جهانی تکنالوژی نیز انجام داد. اما در ارتباط بچگونگی موضعگیری ادراه واشنگتن برهبری بایند باید یادآور شد که در مورد مسایل یادشده، بیشتر از پیش فشارها افزایش حاصل خواهد آمد.

بگمان غالب کادراه بایند، ستراتیژی اوباما در عرصه وسعت بخشیدن تجارت آزاد با متحدانش، چین را مستثنأ قرار دهد. با اینحال، "تجارت آزاد" در شرایط و وضعیت کنونی برای کسانی که برای دموکرات ها رأی داده اند، بسیار محبوب تلقی نمی گردد.

از جانب دیگر، سیاست تجاری ضد چین که توسط ترامپ پیگیری می گردید، بگمان غالب که با عدم موفقیت مواجه گردیده و ناموفق بود. جدا از آسیب های وارد آمده بر شرکت "هواوی"، همچنان در نوع خود، سایر طرح های دسترسی به تکنالوژی و فناوری گروه ۵ را نیز جابجا متوقف نمود.

با وجود بحران همه گیر اقتصادی، اقتصاد چین در مجموع (گرچه با آهنگ نسبتن بطی و کند) اما همچنان بر رشد و انکشاف ادامه داد. این در حالی اتفاق می افتد که اقتصاد ایالات متحده در مجموع روبزوال می باشد.

شایان تذکر می باشد که با وجود ارائه سخنان تهدید آمیز، ترامپ هیچگونه کارزار جدید جنگی را آغاز ننمود. اما بسیاریها چنین می پندارند که بایند ستراتیژی ترامپ در مورد نظامیان امریکایی از افغانستان را همچنان ادامه خواهد داد. اما نباید فراموش خاطر ما شود که در مسیر یادشده با موانع مشابهی نیز روبرو خواهد شد.

در مورد "توافق هستوی" ایران که ترامپ از آن خارج شد، بایند و اطرفیانش بگونه گلی، علاقمندی و تمایل شانرا به پیوستن مجدد ایالات متحده به توافق یادشده ابراز نمودند. اما تهران قبلن در پاسخ اظهار نموده که در قبال طرح نسخه و معامله ای سختگیرانه تر، به مقاومت و مخالفت در زمینه ادامه داده و تصویب و اجرایی نمودن نسخه جدی در مورد را اصلن غیر قابل قبول و غیر عملی محسوب می نماید.

این امکان شاید وجود داشته باشد که هنوز هم ترکیبی از تحریم های ایالات متحده، موجودیت بحران همه گیر کووید - ۱۹ و "دیپلوماسی هوشمند" به واشنگتن این امکان و فرصت را میسر نماید تا با تهران معاهده جدیدی را منعقد نماید. اما از جانب دیگر، در قبال ایران دورنماهای واقعی دیگری نیز گشوده شده است که از جمله می توان از کمک ها و سرمایه گذاری های چین در آن کشور نام برد. اگر ایالات متحده در خاور دور به تداوم و تشدید فشارها بر چین بیافزاید، در چنین وضعیتی پکن بگونه تمام عیاری تهران را بمثابة متحد قانونی و برحق خویش مبدل خواهد نمود که عواقب معین و مشخصی در تغییر توازن سیاسی و نظامی نیروهای سیاسی در خاور میانه را بدنبال خواهد داشت.

بارتباط مناسبات و روابط ایالات متحده با فدراتیف روسیه باید خاطر نشان گردد که دموکرات ها مدت هاست از روسیه متنفر بوده و سعی بعمل می آورند تا جایی که برایشان ممکن می باشد، بکشور اخیر الذکر آسیب وارد نمایند و بمنظور دستیابی به چنین مأمولی، واشنگتن در صدد متقاعد نمودن متحدین اروپایی اش بمنظور وضع تحریم های جدید، تلاش خواهد ورزید. البته چنین اقدامی بگفته بسیاریها بویژه در شرایط تشدید تنش ها با ترکیه، بمثابة "اوج حماقت ژئوپولیتیک" محسوب گردیده که نمی توان از پیامدهای خطر آفرین آن جلوگیری نمود.

تطبیق عملی ستراتیژی جدید در مورد مسکو همچنان با این مسأله ارتباط ناگسستنی دارد که دول کشورهای غربی از نداشتن و نبود برنامه حیاتی و عدم اثربخشی در مورد حل و فصل قضایای موجود در اکرائین نیز در عذاب بسر می برند. البته کآنها می توانند و قادرند تا اکرائینی ها را تادندان مسلح نمایند که در چنین صورتی احتمال تکرار سناریوی گرجستان (طی سال ۲۰۰۸) عملن موجود می باشد که در نتیجه، رویارویی روسیه - اکرائین را سبب خواهد گردیده و منتج به شکست کامل اکرائین و فرار امریکایی ها از منطقه گردد. بدین ترتیب، در شرایط و وضعیت موجود، با احتمال زیاد که دشمنی و رقابت روسیه - امریکا، بیش از هر زمان دیگر افزایش حاصل خواهد نمود.

علاوه بر آن، تیم اوباما، مدت ها قبل، ایده "لیگ جهانی دموکراسی" را با دُهل و سُرنا اعلام نموده و تلاش بعمل آمد تا چین و روسیه را منزوی ساخته و آنها را تحت فشار قرار دهد. اما این بهیچوجه قادر به تغییر توازن قوا بگو نه واقعی نبوده و بیش از هر زمان دیگر تصویر منفی ایالات متحده را در عرصه جهانی آشکار می نماید. بگمان اغلب که ایالات متحده بهمکاری و مشارکتش با متحدین با اعتبار دموکراسی های ضد لیبرالی مانند هند، در عرصه جهانی سبب افزایش قابل ملاحظه ریاکاری های آن کشور خواهد گردید.

علاوه بر این، ایده متذکره خطرات خاصی را برای واشنگتن در آستین دارد. از دیدگاه چین و روسیه (در اینجا نه تنها در مورد قدرت، بلکه در مورد مردم و شهروندان عادی نیز صحبت در میان می باشد)، فعالیت های اینچینی، نه بمنظور ارتقای اعتبار و حیثیت دموکراسی، بلکه در واقعیت امر بمنظور تضعیف و حتا تخریب بنیاد کشور های اخیر الذکر محسوب می گردد.

از جانب دیگر، علیرغم ممانعت کنگره ایالات متحده، پنتاگون به تقلیل و کاهش نظامیان ایالات متحده به ۲۵۰۰ تن در کشور ما مبادرت ورزید. موضوع فوق بتاريخ ۲۶ جدی سال روان (۱۵ ماه جنوری سال ۲۰۲۱)، توسط وسایل اطلاعات جمعی ایالات متحده بنشر رسید.

دونالد ترامپ، در ماه نوامبر سال پار در مورد کاهش نظامیان کشورش به مراجع مسؤل هدایت داده و اعلام نمود که در امتداد زمانی ۱۹ سال حضور نظامیان ایالات متحده در افغانستان، کاهش اینچینی رقم درشتی را تشکیل می دهد. اما نامبرده بگونه قطعی از تعداد نظامیان باقیمانده در اراضی کشور ما اصلن یادآوری بعمل نیاورده و اما افزود که وی از همان نخستین روز های آغاز بکار در اداره واشنگتن، خواهان نقطه پایان گذاشتن به طولانی ترین جنگ تاریخ ایالات متحده در افغانستان بود.

با وجود آنکه برخی از افسران عالیرتبه امریکایی از کاهش نظامیان کشورشان از افغانستان هشدار دادند، اما کریستوفر میلر که مسؤلیت وزارت دفاع ایالات متحده را بر عهده دارد، بتاريخ ۱۷ نوامبر سال پار از آمادگی اش بمنظور اجرای هدایت ترامپ، اطمینان داد. در نتیجه، در جریان چند روز پسین، پنتاگون توانست تا بتعداد ۱۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی را از کشور ما فرا خواند.

قابل تذکر پنداشته می شود که در مطابقت با قانون دفاع ملی که ده هفته قبل توسط کانگرس به تصویب رسید، پنتاگون از بیکارگیری و مصرف بودجه بمنظور تقلیل و کاهش نظامیانی که از ۴۰۰۰ تن کمتر اند، بر حذر گردید. چنین پیشنهاد کانگرس توسط ترامپ ویتو گردیده و اما در نتیجه، اقدام اینچینی ترامپ نیز بنوبه خویش از جانب کانگرس مورد سؤال قرار داده شده ورد گردید.

در شرایط حاضر، پنتاگون در توضیح مسأله فوق قادر بارائه پاسخ روشن و واضح نبوده و اما در مورد، به نشر اعلامیه های مبهمی نیز مبادرت می ورزد.

همچنان در پنتاگون با اطمینان خاطر نشان می گردد که در تماس های مداوم باشورای امنیت ملی آن کشور، رایز نی هایی بمنظور کاهش و تقلیل نظامیان آن کشور از افغانستان در جریان بوده و به بحث و گفتگو در زمینه یادشده مشغول می باشند.

در این زمینه همچنان پنتاگون مطمئن است که با کاهش نظامیان آن کشور، قبل از همه، امنیت آنها و سایر کارکنان ملکی آن کشور در افغانستان باید تأمین و تضمین گردد.

در مدت زمانی که جو بایدن مسؤلیت معاونیت ریاست جمهوری کشورش را عهده دار بود، تعداد مجموعی نظا میان ایالات متحده به ۱۰۰ هزار تن بالغ می گردید.

مطابق ادعای امریکایی ها، همه مطالب گفته آمده وسایر تلاش های اینچینی، بگونه کلی بمنظور دستیابی بیک هدف یعنی حاضر نمودن "طالب" ها به میز مذاکره و گفتگوهای مستقیم با نماینده های دولت افغانستان انجام گردیده و اما در مورد منجر به نتیجه قابل انتظار و آنچه نگرید.

زمانی که چهار سال قبل، ترامپ در ایالات متحده به قدرت رسید، در حدود ۸۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی در اراضی کشور ما حضور داشتند. اما در عین حال، مطابق اطلاعات بنشر رسیده، بعدن این تعداد به ۱۳ هزار تن افزا یش حاصل نمود.